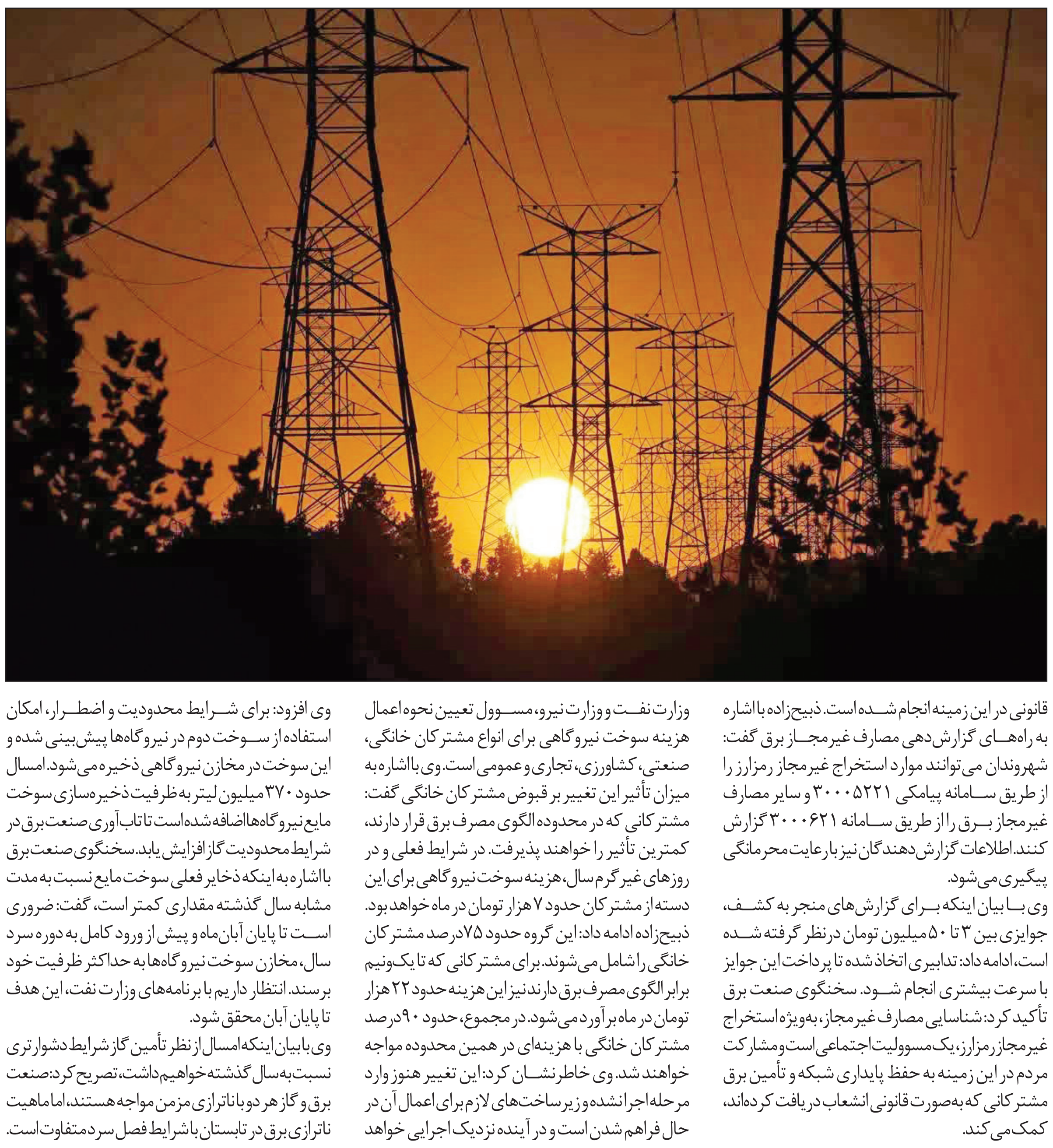
سخنگوی صنعت برق اعلام کرد

ناترازی برق به ۱۰ هزار مگاوات رسید



سخنگوی صنعت برق از کاهش ناترازی برق به ۱۰ هزار مگاوات خبر داد. احسان ذبیح‌زاده، سخنگوی صنعت برق اظهار کرد: دوره گرم سال ۱۴۰۵ به دلیل تداوم گرمای غیرمتعارف در نیمه دوم شهریور و مهرماه، عملاً تا پایان مهرماه ادامه داشت؛ در حالی که این دوره معمولاً از نیمه اردیبهشت تا نیمه شهریور به طول می‌انجامد.

وی افزود: ناترازی مزمن برق که اوج آن را در دو سال گذشته تجربه کردیم، به‌تدریج در حال کاهش است، به‌طوری که میزان ناترازی در اوج مصرف سال ۱۴۰۳ حدود ۱۷ هزار و ۵۰۰ مگاوات، در سال گذشته ۱۴ هزار و ۵۰۰ مگاوات و در سال جاری به حدود ۱۰ هزار مگاوات رسید. ذبیح‌زاده با اشاره به برنامه‌های کاهش ناترازی برق ادامه داد: ۱۴ مگاپروژه در ۱۴ محور برای عبور از اوج بار سال ۱۴۰۶ تعریف شده که توسعه ظرفیت تولید و شبکه برق را شامل می‌شود. در بخش نیروگاه‌های حرارتی، احداث ظرفیت‌های جدید، بازسازی واحدهای آسیب‌دیده در جنگ و ارتقای توان نیروگاه‌ها به میزان ۴۵۰۰ مگاوات برنامه‌ریزی شده است.

وی اضافه کرد: همچنین پیش‌بینی شده تا پیش از اوج مصرف سال آینده، ۶ هزار مگاوات نیروگاه خورشیدی به ظرفیت تجدیدپذیر کشور اضافه شود و مجموع ظرفیت این بخش به ۱۲ هزار مگاوات برسد. در سایر فناوری‌های تولید برق نیز برنامه‌های توسعه‌ای در دست اجراست.

سخنگوی صنعت برق با اشاره به برنامه‌های توسعه شبکه گفت: افزایش ظرفیت شبکه انتقال، فوق توزیع و توزیع برق و همچنین توسعه پست‌های انتقال و توزیع برای تأمین مطمئن برق در سال آینده در دستور کار قرار دارد.

وی درباره اقدامات مدیریت مصرف نیز اظهار کرد: شناسایی و برخورد با مصارف غیرمجاز با جدیت ادامه دارد و از ابتدای سال تاکنون حدود ۴۶۰ هزار مورد استفاده غیرمجاز از برق کشف شده است. برخورد با استخراج غیرمجاز رمزارزها و اجرای طرح‌های بهینه‌سازی مصرف در بخش‌های مختلف صنعتی، اداری و روشنایی معابر نیز دنبال می‌شود. به گزارش تسنیم، ذبیح‌زاده تغییر ساعات کاری را از دیگر راهکارهای مدیریت مصرف برق دانست و گفت: این موضوع در روزهای پایانی دوره سرد نیز اجرا شده و برای سال آینده، پیگیری امکان تغییر ساعت رسمی کشور نیز در دستور کار قرار دارد؛ چراکه این اقدام می‌تواند تأثیر مناسبی در کاهش مصرف برق داشته باشد.

وی تأکید کرد: با توسعه ظرفیت تولید و شبکه، بهینه‌سازی مصرف، جمع‌آوری انشعابات غیرمجاز، مقابله با استخراج غیرمجاز رمزارزها و کاهش تلفات شبکه، تلاش می‌کنیم ناترازی برق را در هر دو بخش عرضه و تقاضا کاهش دهیم و در تابستان سال آینده با کمترین میزان محدودیت برق مواجه باشیم.

سخنگوی صنعت برق، با اشاره به اقدامات انجام‌شده برای مقابله با مصارف غیرمجاز برق اظهار کرد: انشعابات غیرمجاز علاوه بر تضییع حقوق مشترکان قانونی، در بسیاری از موارد موجب آسیب به تجهیزات شبکه برق می‌شوند. از این رو، همکاران صنعت برق با استفاده از روش‌های مختلف، این مصارف را شناسایی می‌کنند.

وی افزود: از ابتدای سال ۱۴۰۵ تا ۱۷ آبان‌ماه، حدود ۴۶۰ هزار مورد انشعاب غیرمجاز برق و همچنین حدود ۱۷ هزار دستگاه ماینر غیرمجاز که از برق به‌صورت غیرقانونی برای استخراج رمزارز استفاده می‌کردند، کشف شده و اقدامات قانونی در این زمینه انجام شده است. ذبیح‌زاده با اشاره به راه‌های گزارش‌دهی مصارف غیرمجاز برق گفت: شهروندان می‌توانند موارد استخراج غیرمجاز رمزارز را از طریق سامانه پیامکی ۳۰۰۰۵۲۲۱ و سایر مصارف غیرمجاز برق را از طریق سامانه ۳۰۰۰۶۲۱ گزارش کنند. اطلاعات گزارش‌دهندگان نیز با رعایت محرمانگی پیگیری می‌شود.

وی با بیان اینکه برای گزارش‌های منجر به کشف، جوایزی بین ۳ تا ۵۰ میلیون تومان درنظر گرفته شده است، ادامه داد: تدابیری اتخاذ شده تا پرداخت این جوایز با سرعت بیشتری انجام شود. سخنگوی صنعت برق تأکید کرد: شناسایی مصارف غیرمجاز، به‌ویژه استخراج غیرمجاز رمزارز، یک مسوولیت اجتماعی است و مشارکت مردم در این زمینه به حفظ پایداری شبکه و تأمین برق مشترکانی که به‌صورت قانونی انشعاب دریافت کرده‌اند، کمک می‌کند.

◄ افزایش هزینه سوخت نیروگاهی در قبوض برق؛ ۹۰ درصد مشترکان حداکثر ۲۲ هزار تومان می‌پردازند

ذبیح‌زاده در پاسخ به پرسشی درباره تغییر تعرفه برق و نحوه اعمال نرخ جدید هزینه سوخت نیروگاهی اظهار کرد: افزایش هزینه‌های مطرح‌شده ناشی از ابلاغ نرخ جدید سوخت نیروگاه‌ها از ابتدای آبان‌ماه توسط وزارت نفت است. وی افزود: نیروگاه‌های حرارتی که بخش عمده برق کشور را تولید می‌کنند، برای تولید برق از سوخت استفاده می‌کنند و با تغییر نرخ سوخت، هزینه تولید و درنتیجه نرخ فروش برق نیز تحت تأثیر قرار می‌گیرد. این افزایش هزینه در نهایت به‌نحوی در قبوض مشترکان منعکس خواهد شد. سخنگوی صنعت برق تصریح کرد: مطابق مصوبه هیات وزیران، کارگروهی متشکل از سازمان برنامه و بودجه، وزارت امور اقتصادی و دارایی، وزارت نفت و وزارت نیرو، مسوول تعیین نحوه اعمال هزینه سوخت نیروگاهی برای انواع مشترکان خانگی، صنعتی، کشاورزی، تجاری و عمومی است. وی با اشاره به میزان تأثیر این تغییر بر قبوض مشترکان خانگی گفت: مشترکانی که در محدوده الگوی مصرف برق قرار دارند، کمترین تأثیر را خواهند پذیرفت. در شرایط فعلی و در روزهای غیرگرم سال، هزینه سوخت نیروگاهی برای این دسته از مشترکان حدود ۷ هزار تومان در ماه خواهد بود.

ذبیح‌زاده ادامه داد: این گروه حدود ۷۵ درصد مشترکان خانگی را شامل می‌شوند. برای مشترکانی که تا یک‌ونیم برابر الگوی مصرف برق دارند نیز این هزینه حدود ۲۲ هزار تومان در ماه برآورد می‌شود. در مجموع، حدود ۹۰ درصد مشترکان خانگی با هزینه‌ای در همین محدوده مواجه خواهند شد. وی خاطرنشان کرد: این تغییر هنوز وارد مرحله اجرا نشده و زیرساخت‌های لازم برای اعمال آن در حال فراهم شدن است و در آینده نزدیک اجرایی خواهد شد. سخنگوی صنعت برق همچنین گفت: مشترکان حمایتی تحت پوشش کمیته امداد امام خمینی (ره) و سازمان بهزیستی از پرداخت هزینه سوخت نیروگاهی معاف هستند. وی افزود: درآمد حاصل از این محل برای توسعه زیرساخت‌های حمل‌ونقل و انتقال سوخت به نیروگاه‌ها و همچنین افزایش راندمان نیروگاه‌ها، به‌ویژه احداث بخش بخار نیروگاه‌های گازی، هزینه خواهد شد. با تکمیل بخش بخار این نیروگاه‌ها می‌توان بدون مصرف سوخت بیشتر، ظرفیت تولید برق را افزایش داد.

ذبیح‌زاده در پاسخ به پرسشی درباره برنامه تأمین سوخت نیروگاه‌ها برای فصل سرد سال اظهار کرد: حدود ۹۰ درصد برق کشور توسط نیروگاه‌های حرارتی تولید می‌شود. این نیروگاه‌ها در نیمه نخست سال معمولاً محدودیت جدی در تأمین سوخت ندارند، اما با ورود به فصل سرد و افزایش مصرف گاز در بخش خانگی و تجاری، با محدودیت در دریافت سوخت اصلی خود، یعنی گاز، مواجه می‌شوند.

وی افزود: برای شرایط محدودیت و اضطرار، امکان استفاده از سوخت دوم در نیروگاه‌ها پیش‌بینی شده و این سوخت در مخازن نیروگاهی ذخیره می‌شود. امسال حدود ۳۷۰ میلیون لیتر به ظرفیت ذخیره‌سازی سوخت مایع نیروگاه‌ها اضافه شده است تا تاب‌آوری صنعت برق در شرایط محدودیت گاز افزایش یابد. سخنگوی صنعت برق با اشاره به اینکه ذخایر فعلی سوخت مایع نسبت به مدت مشابه سال گذشته مقداری کمتر است، گفت: ضروری است تا پایان آبان‌ماه و پیش از ورود کامل به دوره سرد سال، مخازن سوخت نیروگاه‌ها به حداکثر ظرفیت خود برسند. انتظار داریم با برنامه‌های وزارت نفت، این هدف تا پایان آبان محقق شود.

وی با بیان اینکه امسال از نظر تأمین گاز شرایط دشوارتری نسبت به سال گذشته خواهیم داشت، تصریح کرد: صنعت برق و گاز هر دو با ناترازی مزمن مواجه هستند، اما ماهیت ناترازی برق در تابستان با شرایط فصل سرد متفاوت است. ذبیح‌زاده ادامه داد: پیک مصرف برق تابستان امسال به ۷۵ هزار و ۸۰۰ مگاوات رسید، در حالی که نیاز مصرف برق در روزهای اخیر در اوج خود حدود ۴۸ هزار مگاوات بوده است. بنابراین در فصل سرد از نظر ظرفیت تولید و شبکه برق با کمبود ظرفیت مواجه نیستیم و ظرفیت موجود به‌مراتب بیشتر از تقاضای برق است؛ مساله اصلی، تأمین سوخت کافی برای نیروگاه‌هاست.

وی با اشاره به آغاز دوره سرد ۱۰۰ روزه از اوایل آذرماه گفت: برای عبور مطمئن از این دوره، دو موضوع اهمیت دارد؛ نخست تکمیل ذخایر سوخت مایع نیروگاه‌ها تا پایان آبان‌ماه و دوم تداوم تأمین کافی سوخت در طول دوره سرد سال. سخنگوی صنعت برق تأکید کرد: صرفاً اتکا به گاز یا سوخت مایع به‌تنهایی پاسخگوی نیاز نیست و باید سبد مناسبی از سوخت گاز و مایع در اختیار نیروگاه‌ها قرار گیرد تا بتوانیم در طول دوره سرد سال، برق مورد نیاز کشور را به‌طور کامل تأمین کنیم.

ایران با ۵۱ هزار سامانه خورشیدی خانگی در رتبه هفتم جهان قرار گرفت

آمارهای بین‌المللی از توسعه سامانه‌های خورشیدی خانگی نشان می‌دهد ایران با ثبت ۵۱ هزار خانه مجهز به مولد خورشیدی تا آبان ۱۴۰۵ در رتبه هفتم فهرست مورد بررسی قرار گرفته است. به گزارش مهر به نقل از ساتبا، توسعه نیروگاه‌های خورشیدی کوچک‌مقیاس و سامانه‌های تولید برق در محل مصرف، در سال‌های اخیر به یکی از مسیرهای افزایش سهم انرژی‌های تجدیدپذیر و کاهش وابستگی به شبکه سراسری برق تبدیل شده است. بررسی آمارهای بین‌المللی نشان می‌دهد کشورهای مختلف با استفاده از مدل‌های متفاوت، از نصب پنل‌های خورشیدی روی پشت‌بام منازل تا راه‌اندازی سامانه‌های کوچک متصل به شبکه و خارج از شبکه، ظرفیت تولید برق پراکنده را توسعه داده‌اند.

براساس داده‌های استخراج‌شده درباره تعداد سامانه‌های خورشیدی خانگی، چین و هند بیشترین تعداد واحدهای مسکونی مجهز به این فناوری را در اختیار دارند. چین با بیش از ۷.۳ میلیون سامانه خانوار و هند با نزدیک به ۵.۶ میلیون سامانه مسکونی در رتبه‌های نخست قرار گرفته‌اند. پس از این دو کشور، بنگلادش با حدود ۴.۱۳ میلیون سامانه خورشیدی خارج از شبکه و ژاپن با ۳.۸ میلیون سامانه خورشیدی با ظرفیت کمتر از ۱۰ کیلووات، از کشورهای دارای آمار قابل توجه در این حوزه هستند. تفاوت نوع سامانه‌های ثبت‌شده در این کشورها نشان می‌دهد توسعه خورشیدی خانگی صرفاً به نیروگاه‌های متصل به شبکه محدود نیست و سامانه‌های مستقل از شبکه نیز در برخی کشورها سهم قابل توجهی دارند. در فهرست سامانه‌های خورشیدی مسکونی، ازبکستان با ۸۸ هزار و اوکراین با ۸۶ هزار واحد در جایگاه بالاتری نسبت به ایران قرار گرفته‌اند. براساس آمار مورد بررسی، ایران نیز تا آبان‌ماه ۱۴۰۵ حدود ۵۱ هزار خانه مجهز به مولدهای تجدیدپذیر پشت‌بامی داشته و در رتبه هفتم این فهرست قرار گرفته است. این آمار در حالی ثبت شده که توسعه سامانه‌های خورشیدی خانگی در ایران می‌تواند علاوه بر افزایش ظرفیت تولید برق تجدیدپذیر، بخشی از تولید انرژی را به محل مصرف منتقل کند. در چنین مدلی، مشترکان خانگی با نصب تجهیزات خورشیدی می‌توانند بخشی از برق مورد نیاز خود را تأمین کنند و در صورت اتصال سامانه به شبکه و برخورداری از سازوکارهای مربوط، امکان تبادل برق با شبکه سراسری نیز فراهم می‌شود.

در بخش دیگری از داده‌های بین‌المللی که علاوه بر سامانه‌های مسکونی، واحدهای تجاری، سامانه‌های خرد و تجهیزات خورشیدی بالکنی را نیز در بر می‌گیرد، استرالیا با حدود ۴.۵ میلیون سامانه و برزیل با نزدیک به ۴ میلیون سامانه در شمار کشورهای دارای بیشترین تعداد واحدهای خورشیدی کوچک‌مقیاس قرار دارند. آلمان نیز با بیش از ۱.۵ میلیون سامانه خورشیدی بالکنی، نمونه‌ای از توسعه این فناوری در ساختمان‌های مسکونی و به‌ویژه واحدهای آپارتمانی است. این سامانه‌ها امکان تولید بخشی از برق مصرفی را بدون نیاز به احداث نیروگاه مستقل روی زمین فراهم می‌کنند و در برخی مدل‌ها از طریق تجهیزات متصل به شبکه داخلی ساختمان مورد استفاده قرار می‌گیرند.

در منطقه نیز پاکستان با حدود ۴۸۲ هزار سامانه مبتنی بر سازوکار خالص‌سنجی (نت‌مترینگ) و ارمنستان با حدود ۵۰ هزار واحد خورشیدی در آمارهای مورد بررسی حضور دارند. البته به‌دلیل تفاوت در تعریف سامانه‌های مسکونی، تجاری، خارج از شبکه و بالکنی، مقایسه مستقیم تمام این ارقام بدون در نظر گرفتن دامنه آماری هر کشور نمی‌تواند تصویر کاملاً یکسانی از میزان توسعه بازارها ارایه دهد.

باوجود برخورداری ایران از ظرفیت مناسب تابش خورشید در بخش‌های مختلف کشور، توسعه سامانه‌های خورشیدی خانگی با موضوعاتی مانند تأمین منابع مالی، هزینه اولیه خرید و نصب تجهیزات، شرایط اتصال به شبکه و جذابیت اقتصادی فروش برق مواجه است. در این زمینه، دسترسی خانوارها به تسهیلات بانکی و منابع مالی برای خرید پنل و تجهیزات جانبی، می‌تواند بر سرعت گسترش این سامانه‌ها اثرگذار باشد. همچنین ساده‌سازی فرآیندهای اداری و فنی اتصال نیروگاه‌های کوچک به شبکه سراسری، از جمله عواملی است که می‌تواند مشارکت مشترکان خانگی را افزایش دهد.

ازسوی دیگر، تعرفه‌های خرید تضمینی برق و سازوکارهای اقتصادی مربوط به خالص‌سنجی نیز در تصمیم خانوارها برای سرمایه‌گذاری در این حوزه موثر است. هرچه دوره بازگشت سرمایه کوتاه‌تر و درآمد حاصل از تولید برق قابل پیش‌بینی‌تر باشد، انگیزه بیشتری برای نصب سامانه‌های خورشیدی در بخش خانگی ایجاد خواهد شد.

در مجموع، ثبت ۵۱ هزار خانه مجهز به مولدهای خورشیدی در ایران، از شکل‌گیری ظرفیت تولید برق پراکنده در بخش خانگی حکایت دارد؛ با این حال، مقایسه این رقم با میلیون‌ها سامانه نصب‌شده در کشورهای پیشرو نشان می‌دهد توسعه این بخش به سیاست‌های تأمین مالی، تسهیل اتصال به شبکه و ایجاد سازوکارهای اقتصادی پایدار وابسته است. گسترش تولید برق در محل مصرف می‌تواند در کنار توسعه نیروگاه‌های بزرگ، به تنوع‌بخشی به منابع تأمین برق و مدیریت بار شبکه کمک کند.

ادامه از صفحه اول

جراحی برای مهار بحران تورم

همچنین با افزایش هزینه تامین مالی، بخشی از تقاضای اعتباری غیرضروری و فعالیت‌های سفته‌بازانه محدود می‌شود و فشار تقاضا بر بازار کالاها و دارایی‌ها کاهش می‌یابد. البته نباید تصور کرد که افزایش نرخ بهره به تنهایی قادر است تمام عوامل تورم در اقتصاد ایران را مهار کند. تورمی که ریشه در کسری بودجه، شوک‌های ارزی و مشکلات ساختاری تولید دارد، نیازمند مجموعه‌ای هماهنگ از سیاست‌های پولی، مالی و اقتصادی است. با این حال، انضباط پولی یکی از مهم‌ترین حلقه‌های این زنجیره اصلاحی محسوب می‌شود.

■ **ناترازی بانک‌ها؛ یکی از ریشه‌های پنهان تورم:** یکی از مسائل اساسی اقتصاد ایران، وضعیت نامناسب ترازنامه برخی بانک‌ها و وابستگی آنها به منابع بانک مرکزی است. هنگامی که یک بانک به دلیل ضعف مدیریت دارایی‌ها، مطالبات غیرجاری یا تعهدات بیش از ظرفیت خود با کمبود منابع مواجه می‌شود، ممکن است برای تامین نقدینگی به اضافه‌برداشت از بانک مرکزی متوسل شود. تداوم چنین وضعیتی می‌تواند به افزایش پایه پولی و در ادامه رشد نقدینگی منجر شود. در واقع، بخشی از تورم مزمن اقتصاد ایران را باید در همین چرخه معیوب جست‌وجو کرد؛ چرخه‌ای که در آن ناترازی بانکی به خلق پول جدید و خلق پول جدید به تشدید تورم منتهی می‌شود. از این منظر، تاکید بانک مرکزی بر کنترل ترازنامه بانک‌ها، اصلاح نسبت سپرده قانونی، نظارت بر اضافه‌برداشت‌ها و ساماندهی موسسات اعتباری اقدامی قابل دفاع است. نظام بانکی نمی‌تواند بدون رعایت الزامات انضباط مالی، همواره انتظار دسترسی نامحدود به منابع بانک مرکزی را داشته باشد.

■ **هزینه کوتاه‌مدت در برابر منفعت بلندمدت:** بدون تردید، سیاست پولی انقباضی می‌تواند هزینه‌هایی نیز به همراه داشته باشد. افزایش هزینه تامین مالی برای بنگاه‌های اقتصادی، محدود شدن بخشی از تسهیلات بانکی و کاهش تمایل به سرمایه‌گذاری، از جمله پیامدهای احتمالی چنین سیاستی است. با این حال، باید میان اعتبار مولد و تسهیلاتی که صرف فعالیت‌های غیرمولد، سفته‌بازی یا پوشش ناترازی‌های مالی می‌شوند، تفاوت قائل شد. هدف سیاست پولی نباید خشکاندن منابع مالی تولید باشد، بلکه باید هدایت اعتبارات به سمت فعالیت‌هایی باشد که ارزش افزوده واقعی، اشتغال پایدار و ظرفیت تولیدی ایجاد می‌کنند. در همین راستا، توسعه ابزارهایی نظیر تامین مالی زنجیره تولید، اوراق گام، اعتبار اسنادی داخلی و تامین مالی مبتنی بر قراردادهای واقعی می‌تواند به بانک مرکزی کمک کند تا همزمان با کنترل رشد نقدینگی، جریان تامین مالی بنگاه‌های سالم اقتصادی را نیز حفظ کند. به بیان دیگر، انقباض پولی باید هوشمندانه باشد؛ نه اینکه هزینه اصلاح ناترازی بانک‌ها و مهار تورم به‌طور یکسان بر دوش تولیدکنندگان و فعالان اقتصادی قرار گیرد.

■ **استقلال بانک مرکزی و ضرورت تداوم سیاست‌های اصلاحی:** یکی از مهم‌ترین پیش‌شرط‌های موفقیت سیاست‌های ضدتورمی، استمرار و اعتبار تصمیمات بانک مرکزی است. سیاست پولی زمانی اثرگذاری واقعی خواهد داشت که فعالان اقتصادی، سرمایه‌گذاران و خانوارها اطمینان پیدا کنند که سیاستگذار در مواجهه با فشارهای کوتاه‌مدت، از اهداف بلندمدت ثبات اقتصادی عقب‌نشینی نخواهد کرد. البته این موضوع مستلزم هماهنگی دولت و بانک مرکزی نیز است. کنترل کسری بودجه، پرهیز از تحمیل تکالیف اعتباری غیرمنطبق با ظرفیت شبکه بانکی، اصلاح ساختار مالی بانک‌ها و کاهش وابستگی بودجه به منابع تورم‌زا، مکمل‌های ضروری سیاست پولی هستند. اگر بانک مرکزی در مسیر انضباط پولی حرکت کند، اما سیاست مالی دولت همچنان به افزایش کسری بودجه و تامین مالی تورم‌زا متکی باشد، نتیجه مورد انتظار حاصل نخواهد شد.

■ **ثبات پولی؛ پیش‌شرط توسعه اقتصادی:** اقتصاد ایران بیش از هر زمان دیگری به بازسازی اعتماد عمومی، ثبات قیمت‌ها و پیش‌بینی‌پذیری محیط کسب‌وکار نیاز دارد. تورم بالا نه‌تنها قدرت خرید خانوارها را کاهش می‌دهد، بلکه افق برنامه‌ریزی بنگاه‌ها را کوتاه می‌کند، سرمایه‌گذاری بلندمدت را تضعیف می‌سازد و منابع اقتصادی را به سمت فعالیت‌های غیرمولد سوق می‌دهد. از این رو، حمایت از سیاست‌های انضباط پولی بانک مرکزی باید فراتر از یک موضع‌گیری مقطعی تلقی شود. کنترل رشد نقدینگی، اصلاح ناترازی بانک‌ها، مدیریت اضافه‌برداشت‌ها و استفاده هدفمند از ابزارهای نرخ بهره، اقداماتی هستند که می‌توانند زمینه بازگشت تدریجی ثبات به اقتصاد کشور را فراهم کنند. البته موفقیت این مسیر در گرو شفافیت، پاسخگویی، استمرار سیاست‌ها و حمایت همزمان از تولید است. بانک مرکزی باید نشان دهد که هدف از محدودسازی منابع پرقدرت، صرفاً افزایش هزینه تامین مالی نیست، بلکه جلوگیری از تداوم چرخه خلق پول و تورم است. در نهایت، باید پذیرفت که اقتصاد ایران برای خروج از وضعیت تورمی موجود، به تصمیمات دشوار، اما ضروری نیاز دارد. هیچ کشوری با تداوم خلق پول بی‌ضابطه و تساهل در برابر ناترازی‌های بانکی به ثبات پایدار نرسیده است. انضباط پولی شاید در کوتاه‌مدت بدون هزینه نباشد، اما در صورت اجرای اصولی و هماهنگ، می‌تواند یکی از مهم‌ترین گام‌ها برای حفاظت از قدرت خرید مردم، احیای اعتماد اقتصادی و فراهم‌سازی زمینه رشد پایدار باشد. ثبات اقتصادی از مسیر انضباط پولی می‌گذرد؛ مسیری که تعویق آن، هزینه‌های سنگین‌تری را به اقتصاد و جامعه تحمیل خواهد کرد.

دکترای اقتصاد

اخبار

افزایش چندبرابری قیمت سوخت با انتقال هزینه حمل به مصرف‌کننده

یک عضو کمیسیون عمران مجلس شورای اسلامی، با انتقاد از تصمیم جدید دولت درباره تغییر نحوه محاسبه هزینه حمل فرآورده‌های نفتی گفت: براساس تصمیم ابلاغ‌شده، هزینه حمل سوخت از درِ شرکت‌های توزیع‌کننده تا محل تعاونی‌ها و مراکز عرضه، که پیش از این برعهده دولت بود، قرار است از این پس به مصرف‌کنندگان تحمیل شود؛ موضوعی که می‌تواند موجب افزایش چندبرابری قیمت سوخت برای بخش‌های کشاورزی و صنعتی شود. حمیدرضا گودرزی، نماینده الیگودرز در مجلس شورای اسلامی در گفت‌وگو با ایسنا، با اشاره به تصمیم اخیر هیات دولت در زمینه هزینه حمل فرآورده‌های نفتی بیان کرد: پیش از این، هزینه حمل فرآورده‌های نفتی از محل شرکت تا تعاونی‌ها و مراکز عرضه برعهده دولت بود، اما براساس دستورالعمل جدید، قرار است این هزینه دیگر از سوی دولت پرداخت نشود و به‌صورت سرشکن‌شده از مصرف‌کنندگان دریافت شود.

وی در ادامه اظهار کرد: این موضوع شامل مصرف‌کنندگان در بخش‌های مختلف، از جمله کشاورزی و صنعت می‌شود و در واقع هزینه‌ای که دولت پیش از این برای حمل سوخت پرداخت می‌کرد، اکنون قرار است بر دوش مصرف‌کننده قرار گیرد. این عضو کمیسیون عمران مجلس با بیان اینکه این تصمیم در راستای کاهش هزینه‌های دولت اتخاذ شده است، تصریح کرد: دولت پیش از این هزینه حمل سوخت با استفاده از ماشین‌آلات و ناوگان حمل‌ونقل از شرکت‌های توزیع‌کننده تا تعاونی‌ها و مراکز عرضه را پرداخت می‌کرد، اما اکنون اعلام کرده است که این هزینه را نمی‌پردازد و متقاضیان باید آن را پرداخت کنند. گودرزی ادامه داد: برای مثال، گازوییلی که پیش از این با قیمت حدود لیتری ۳۰۰ تومان به دست مصرف‌کننده می‌رسید، با احتساب هزینه‌های جدید حمل ممکن است به حدود لیتری هزار و ۵۰۰ تومان برسد. بنابراین، این تصمیم می‌تواند افزایش چندبرابری هزینه سوخت را برای مصرف‌کنندگان به دنبال داشته باشد. وی با تأکید بر اینکه آثار این تصمیم صرفاً به گازوییل محدود نمی‌شود، گفت: در حوزه سایر فرآورده‌های نفتی نیز با این مساله مواجه هستیم و انتقال هزینه حمل به مصرف‌کننده می‌تواند هزینه تأمین این فرآورده‌ها را افزایش دهد. این نماینده مجلس در ادامه به موضوع دیگری در زمینه تغییر نحوه توزیع فرآورده‌های نفتی اشاره کرد و گفت: بحث تک‌منظوره کردن توزیع فرآورده‌ها در جایگاه‌های سوخت روستایی نیز مطرح است؛ به این معنا که ممکن است در برخی از این مراکز، عرضه سوخت برای بخش حمل‌ونقل یا بخش کشاورزی محدود به یکی از این دو حوزه شود. گودرزی در ادامه بیان کرد: در بسیاری از روستاها و مناطق دوردست، جایگاه‌های کوچک سوخت وجود دارد که خدمات‌رسانی به مردم و فعالان بخش کشاورزی را برعهده دارند. اگر قرار باشد این جایگاه‌ها تک‌منظوره شوند و یکی از خدمات مربوط به حمل‌ونقل یا کشاورزی از آنها حذف شود، مردم برای تأمین سوخت مورد نیاز خود با مشکل مواجه خواهند شد. وی در ادامه خاطرنشان کرد: در چنین شرایطی ممکن است روستاییان و ساکنان مناطق دورافتاده ناچار شوند برای دریافت سوخت، مسافت‌های طولانی، حتی در حدود دو ساعت را تا نزدیک‌ترین مرکز عرضه طی کنند؛ موضوعی که می‌تواند دسترسی مردم این مناطق به سوخت را دشوارتر کند. نماینده الیگودرز در مجلس شورای اسلامی تاکید کرد: این دو موضوع، یعنی انتقال هزینه حمل فرآورده‌های نفتی به مصرف‌کنندگان و محدود شدن خدمات جایگاه‌های سوخت روستایی، از جمله مسائلی است که باید آثار و تبعات آن برای مردم، به‌ویژه ساکنان روستاها و فعالان بخش کشاورزی، مورد توجه قرار گیرد. گودرزی در ادامه افزود: اکنون این مصوبه توسط آقای عارف ابلاغ شده است و برای مناطق کوهستانی مانند ما، مانند سم است. به‌عنوان مثال از الیگودرز تا پشتکوه حدود ۹ ساعت راه است. بنابراین نفتی که می‌خواهد از الیگودرز به پشتکوه برود، قیمت آن چهار برابر می‌شود. قیمت سوخت برای مردم این مناطق چندبرابر می‌شود.

سهم دولت از مالیات بر ارزش افزوده واردات بنزین سوپر صفر شد

گمرک ایران در بخشنامه‌ای به گمرکات اجرایی کشور، سهم دولت از مالیات بر ارزش افزوده واردات بنزین ویژه (اکتان بالا) در سال ۱۴۰۵ را صفر اعلام کرد؛ بر این اساس، واردات این نوع بنزین از پرداخت پنج‌نهم مالیات بر ارزش افزوده معاف است، اما سهم چهارنهمی شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری همچنان باید دریافت شود. به گزارش ایسنا، این بخشنامه از سوی محمدعلی بهپوری، مدیرکل دفتر واردات گمرک ایران با عنوان نرخ مالیات بر ارزش افزوده صفر برای سهم دولت از واردات بنزین ویژه (اکتان بالا) در سال ۱۴۰۵ به گمرکات اجرایی کشور ابلاغ شده است. براساس مفاد این ابلاغیه، در اجرای احکام مالیاتی قانون بودجه سال ۱۴۰۵ کل کشور و به استناد جزو ۱۵-۵ این احکام، واردات بنزین ویژه در سال جاری از پرداخت سهم دولت از مالیات بر ارزش افزوده معاف خواهد بود. در این بخشنامه با اشاره به نامه سازمان امور مالیاتی کشور و استناد به جزو یک بند «الف» ماده ۲۶ قانون مالیات بر ارزش افزوده، نرخ مالیات و عوارض انواع بنزین ۳۰ درصد اعلام شده است. همچنین براساس ماده ۳۸ قانون مالیات بر ارزش افزوده، پنج‌نهم از این مالیات و عوارض سهم دولت و چهارنهم دیگر سهم شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری است و جزو درآمدهای دولت محسوب نمی‌شود. بر همین اساس، با توجه به احکام مالیاتی قانون بودجه سال ۱۴۰۵ و مشابه رویه درنظر گرفته‌شده در قانون بودجه سال ۱۴۰۴، واردات بنزین ویژه از پرداخت سهم پنج‌نهمی دولت از مالیات بر ارزش افزوده معاف شده است؛ با این حال، سهم چهارنهمی شهرداری‌ها، دهیاری‌ها و روستاهای فاقد دهیاری باید مطابق تبصره ۲ ماده ۱۷ قانون مالیات بر ارزش افزوده از واردات این کالا دریافت شود. در پایان این بخشنامه تأکید شده است که مسوولیت نظارت بر حسن اجرای این ابلاغیه برعهده بالاترین مقام اجرایی گمرک مربوطه خواهد بود.

ادامه از صفحه اول

زنگ خطر تازه برای بورس

در چنین فضایی، خرید سهام با نسبت‌های قیمت به سود ۴ یا ۵، بدون وجود چشم‌انداز روشن از رشد سودآوری شرکت‌ها، ممکن است جذابیت کمتری داشته باشد. این مساله تنها به سهام با نسبت‌های P/E بالا محدود نمی‌شود. حتی شرکت‌هایی که از منظر بنیادی ارزنده هستند و نسبت‌های قیمت به سود پایینی دارند نیز ممکن است تحت تاثیر افزایش نرخ بهره قرار بگیرند، زیرا بازار سرمایه علاوه بر ارزش ذاتی شرکت‌ها، از نرخ بازده مورد انتظار سرمایه‌گذاران نیز تاثیر می‌پذیرد. به همین دلیل، افزایش نرخ بهره می‌تواند هم از مسیر خروج نقدینگی و هم از طریق کاهش نسبت‌های ارزش‌گذاری، فشار مضاعفی بر بازار سهام وارد کند. یکی از نشانه‌هایی که می‌تواند تاثیر این شرایط را در بازار سرمایه نشان دهد، روند ارزش معاملات است. میانگین ارزش معاملات در سه هفته گذشته نسبت به دوره اواخر مهرماه و اوایل آبان ماه کاهش پیدا کرده و از محدوده بالای ۴۰ همت به سطوح پایین‌تر از این رقم رسیده است. اگرچه کاهش ارزش معاملات را نمی‌توان صرفا به افزایش نرخ بهره نسبت داد و عوامل دیگری مانند ریسک‌های سیاسی، اقتصادی و کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران نیز در آن نقش دارند، اما همزمانی این روند با افزایش بازدهی بازار پول، توجه به احتمال جابه‌جایی منابع را ضروری می‌کند. تداوم کاهش ارزش معاملات می‌تواند به تضعیف نقدشوندگی سهام منجر شود. زمانی که پول کمتری در بازار جریان دارد، تقاضا برای خرید سهام کاهش پیدا می‌کند و بازگشت نمادها به مسیر صعودی دشوارتر می‌شود. در نتیجه، حتی سهم‌هایی که از پشتوانه بنیادی مناسبی برخوردارند نیز ممکن است برای مدتی با کمبود تقاضا مواجه شوند. واقعیت این است که مشکلات فعلی شبکه بانکی، ریشه‌ای عمیق‌تر از یک تغییر در نرخ بهره دارند. ناترازی بانک‌ها طی سال‌های گذشته به یکی از مشکلات ساختاری اقتصاد ایران تبدیل شده و بخشی از آن به تسهیلات تکلیفی، سیاست‌های اعتباری دستوری، ضعف مدیریت منابع و انباشت زیان در برخی موسسات بازمی‌گردد. تعیین تکلیف بانک آینده و انتقال بخشی از آثار زیان آن به بانک ملی نیز نشان داد که حل‌وفصل یک بانک ناتراز الزاما به معنای برطرف شدن ریشه‌های ایجاد ناترازی نیست. در واقع، اگر ساختار زیانده و عوامل تولیدکننده کسری منابع اصلاح نشوند، ممکن است مساله صرفا از یک بخش به بخش دیگری از شبکه بانکی منتقل شود. از سوی دیگر، ناترازی بودجه دولت و اتکای آن به انتشار اوراق نیز به پیچیده‌تر شدن شرایط دامن می‌زند. بنابراین نمی‌توان انتظار داشت بدون اصلاح ساختار بودجه، انضباط مالی دولت و نظام بانکی، فشارهای موجود بر نرخ بهره به شکل پایدار برطرف شوند. نکته مهم دیگر، ارتباط میان تورم و نرخ‌های اسمی سود است. در شرایطی که تورم رسمی اقتصاد در سطوح بالایی قرار دارد، افزایش نرخ سود اسمی تا حدی می‌تواند بازتابی از همین انتظارات تورمی و فشارهای موجود در اقتصاد باشد. با این حال، افزایش نرخ سود به تنهایی راهکار حل تورم نیست و اگر بدون اصلاح ریشه‌های ناترازی و بی‌انضباطی مالی انجام شود، می‌تواند هزینه تامین مالی بنگاه‌ها را افزایش دهد و به تضعیف فعالیت‌های اقتصادی منجر شود. از این منظر، سیاستگذار پولی باید میان کنترل تورم، حفظ ثبات شبکه بانکی و جلوگیری از آسیب به تولید و بازار سرمایه تعادل برقرار کند. نمی‌توان از یک سو انتظار داشت بازار سرمایه نقش مهمی در تامین مالی اقتصاد ایفا کند و از سوی دیگر، با افزایش مستمر بازدهی ابزارهای کم‌ریسک، انگیزه سرمایه‌گذاری در سهام را کاهش داد. البته اصلاحات اقتصادی صرفا به بازار پول محدود نمی‌شود. اگر قرار است نرخ‌ها بر مبنای سازوکارهای غیردستوری تعیین شوند، باید همین رویکرد در سایر بخش‌های اقتصاد، از جمله قیمت‌گذاری محصولات و فعالیت صنایع نیز دنبال شود تا بنگاه‌ها بتوانند متناسب با هزینه‌های واقعی خود فعالیت کنند.

حلقه‌های پنهان تداوم تورم در اقتصاد ایران

یکی از پیامدهای مهم فعالیت‌های غیرشفاف، کاهش امکان شناسایی درآمدها و دریافت مالیات متناسب با فعالیت اقتصادی است. فرار مالیاتی در چنین فضایی صرفاً به معنای پرداخت نکردن مالیات از سوی یک فرد یا بنگاه نیست؛ بلکه نشانه‌ای از وجود بخش‌هایی از اقتصاد است که به‌درستی در نظام اطلاعاتی و نظارتی کشور ثبت و رصد نمی‌شوند. در سال‌های گذشته و همزمان با کاهش درآمدهای نفتی، اتکای دولت به درآمدهای مالیاتی افزایش یافته است. با این حال، افزایش درآمدهای مالیاتی به‌تنهایی به معنای برقراری عدالت مالیاتی نیست. اگر بخش‌هایی از فعالیت‌های بزرگ اقتصادی همچنان خارج از چرخه شفاف مالیاتی باقی بمانند، فشار تأمین منابع دولت ممکن است بیشتر بر دوش بخش‌هایی قرار گیرد که امکان پنهان کردن فعالیت یا درآمد خود را ندارند. بنابراین، اصلاح نظام مالیاتی باید همزمان با گسترش شفافیت و تقویت نظارت بر فعالیت‌های اقتصادی پیش برود. بدون شناسایی دقیق جریان‌های مالی و محدودکردن امکان فعالیت‌های خارج از چارچوب رسمی، افزایش نرخ یا تشدید مطالبه مالیات نمی‌تواند به‌تنهایی مساله را حل کند. ضعف نظارت، رانت اطلاعاتی، چندپارگی سیاست‌های اقتصادی و گسترش واسطه‌گری را نمی‌توان جدا از یکدیگر بررسی کرد. این عوامل در کنار هم محیطی ایجاد می‌کنند که در آن منابع ممکن است به‌جای حرکت به سمت تولید و فعالیت مولد، به سمت کسب سود از نوسان و عدم شفافیت هدایت شوند. چنین فضایی می‌تواند هزینه فعالیت اقتصادی را افزایش دهد، اعتماد به بازارها را کاهش دهد و انتظارات تورمی را تشدید کند. در نتیجه، مقابله با تورم فقط به تصمیم‌های پولی و مالی محدود نمی‌شود. اصلاح ساختار نظارتی، بستن مسیرهای فسادزا، کاهش امتیازهای ناشی از دسترسی نابرابر به اطلاعات و شفاف کردن فعالیت‌های اقتصادی نیز بخشی از سیاست ضدتورمی است. تا زمانی که بخش‌هایی از اقتصاد در فضایی غیرشفاف و خارج از نظارت موثر فعالیت کنند، سیاست‌های کنترل تورم با محدودیت‌های جدی روبه‌رو خواهند بود. اقتصاد سالم به بازاری نیاز دارد که در آن دسترسی به اطلاعات، فرصت فعالیت و مسوولیت پرداخت مالیات تا حد امکان عادلانه باشد. بدون چنین بستری، حتی سیاست‌های درست نیز ممکن است در شبکه‌ای از رانت، واسطه‌گری و منافع غیرشفاف کم‌اثر شوند.